

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، صفحات ۴۱-۵۵

سنجش شدت فقر در خانوارهای روستایی و مقایسه آن با خانوارهای شهری در ایران

فرهاد خداداد کاشی و محمدنبی شهیکی تاش*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۱۸

چکیده

هدف محوری مطالعه حاضر سنجش شدت فقر در مناطق روستایی ایران است و در آن، از شاخص‌های فقر آمارتیا سن، «نسبت سرشمار» و «نسبت شکاف درآمدی»، استفاده می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که شاخص فقر شکاف درآمدی در ۱۳۸۰ حدود ۰/۲۴۸ بود و در ۱۳۸۷ به ۰/۲۴۷ تنزل یافت. هم‌چنین، نتایج تحقیق مؤید آن است که طی همین دوره، خط فقر هم برای خانوارهای روستایی و هم خانوارهای شهری روند صعودی داشت، به گونه‌ای که خط فقر مناطق روستایی از ماهانه ۸۱۹۷۶۳ به ۳۳۱۷۴۱۳ ریال رسید.

کلیدواژه‌ها: ایران/ فقر روستایی/ ضریب جینی/ شاخص نسبت سرشمار/ شاخص نسبت شکاف درآمدی/ شاخص آمارتیا سن.

* * *

* به ترتیب، دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور تهران؛ و نویسنده مسئول و استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان (mohammad_tash@yahoo.com).

مقدمه

فقر بیانگر وضعیتی است که در آن، رفاه فرد یا خانوار در سطحی کمتر از سطح استاندارد قرار داشته باشد. در این وضعیت، درآمدهای فرد پوشش‌دهنده نیازهای اساسی او نیست؛ و به دیگر سخن، فقر بیانگر محرومیت از دستیابی به امکانات است. البته محرومیت، خود یک مفهوم اجتماعی و نسبی است و بر اساس هنجارها^(۱) تعیین می‌شود که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف کاملاً با هم فرق داشته باشند. در مباحث فقر، مفهوم خط فقر جایگاهی ویژه دارد که بیانگر مخارج هر فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه است؛ افرادی که بدین سطح رفاه دسترسی نداشته باشند، فقیر و کسانی که بدین سطح حداقل رفاه و بالاتر از آن دسترسی داشته باشند، غیرفقیر تلقی می‌شوند. هم‌چنین، دو اصطلاح فقر مطلق و فقر نسبی نیز در ارزیابی شرایط جامعه و سطح رفاه در ادبیات فقر و رفاه بسیار اهمیت دارند. فقر مطلق به ناتوانی در تأمین حداقل نیازهای ضروری افراد (مانند غذا، پوشاک، و مسکن) اشاره دارد؛ در مقابل آن، فقر نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است و بنا به تعریف، عبارت است از ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود. بدین ترتیب، در تعریف فقر نسبی، به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. انتخاب یکی از دو روش مطلق یا نسبی برای محاسبه خط فقر در اجرای سیاست‌های عملی فقرزدایی و نیز توزیع درآمدی حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا شاخص‌های فقر مبتنی بر هر کدام از این مفاهیم حساسیت‌هایی متفاوت در مقابل تغییرات اقتصادی - اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت از خود نشان می‌دهند. برای محاسبه خط فقر، روش‌های گوناگون وجود دارد، مانند روش نیازهای اساسی^(۲)، روش نسبت غذا^(۳)، و روش درصدی از میانه (میانگین) درآمد، که هر روش مزایا و معایب خاص خود را دارد (خداداد کاشی، ۱۳۸۸: ۱۵).

هدف پژوهش حاضر ارزیابی سطح فقر مطلق در خانوارهای روستایی ایران است و بدین منظور، ابتدا به معرفی شاخص‌های فقر و سپس، به ارزیابی حجم فقر مطلق در

روستاهای کشور می‌پردازد؛ و در پایان نیز مقایسه‌ای میان حجم فقر در مناطق روستایی و شهری کشور ارائه می‌دهد.

پیشینه تحقیق

در زمینه مباحث فقر، مطالعات فراوان صورت گرفته، که از مهم‌ترین آنها می‌توان بدین مطالعات اشاره کرد: بلایندر و اساکي (Blinder and Esaki, 1978)، براون و همکاران (Braun et al., 1992)، حداد و کنبور (Haddad and Kanbur, 1992)، آتکینسون (Atkinson, 1994)، بیکر و گروش (Baker and Grosh, 1994)، لیپتون و فاندر گاج (Lipton and Von Der Gaag, 1994)، پژویان (Pajooyan, 1994)، راوالیون و سن (Ravallion and Sen, 1994)، راوالیون (Ravallion, 1998)، نولان و ولان (Nolan and Whelan, 1996)، بینبریج و همکاران (Bainbridge et al., 2003)، دیتون (Deaton, 2003)، گایها و ایمای (Gaiha and Imai, 2004)، و آیسلند (Iceland, 2005). در ایران نیز پژوهش‌های بسیار در راستای ارزیابی حجم فقر به انجام رسیده، که از آن جمله‌اند: عظیمی (۱۳۸۴)، پژویان (۱۳۷۴)، جلیلیان و سوری (۱۳۷۷)، نیلی (۱۳۸۸)، پروین و زیدی (۱۳۸۰)، حسن‌زاده (۱۳۷۹)، صامتی و کرمی (۱۳۸۳)، ترکمانی و جمالی مقدم (۱۳۸۴)، ابونوری و عباسی قادی (۱۳۸۶)، محمودی (۱۳۸۲)، محمودی و صمیمی فر (۱۳۸۴)، خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۳)، خداداد کاشی و باقری (۱۳۸۴)، و خداداد کاشی (۱۳۸۸). بیشتر مطالعات انجام‌شده به بررسی فقر در مقیاس کشور و یا در سطح مناطق شهری پرداخته‌اند؛ اما هدف اصلی پژوهش حاضر محاسبه خط فقر مناطق روستایی و مقایسه آن با مناطق شهری ایران است.

شاخص‌های سنجش فقر

بررسی فقر مستلزم تعیین خط فقر و سنجش شدت فقر است. با آنکه مطالعات مرتبط با خط فقر سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد، از زمان پرداختن به اندازه‌گیری شدت فقر و تکوین آن مدتی بسیار کوتاه و در عین حال، پرتحول می‌گذرد. گذشته از بررسی‌هایی

که بر پایه شاخص‌های نسبت افراد فقیر و نسبت شکاف درآمدی انجام شده، مطالعات نوین آماری مرتبط با فقر از هنگامی آغاز شده است که آمارتیا سن (Sen 1974)، با ارائه روشی مبتنی بر آکسیوم‌ها^(۴) فقر و نابرابری، شاخصی را معرفی کرد که نسبت به دو شاخص یاد شده مزیت‌هایی چشمگیر داشت؛ این روش و شاخص فقر ارائه شده از سوی سن (Sen 1974) بنیانی بوده است که اکثر مطالعات و بررسی‌های اخیر بر آن بنیاد گذاشته شده است (خداداد کاشی، ۱۳۸۸: ۴۱).

اگر درآمد متناظر با خط فقر برابر با Z و الگوی توزیع درآمد بین افراد فقیر این گونه باشد: $(\theta_z = (s_1, s_2, \dots, s_q))$ ، با این شرط که: $s_1 \leq s_2 \leq \dots \leq s_q \leq Z$ و تعداد کل افراد جامعه و افراد فقیر، به ترتیب، مساوی q, n و میانگین درآمد افراد فقیر برابر با μ_z باشد، شاخص فقر به صورت تابع زیر تعریف می‌شود:

$$P(\theta) = f(\theta_z, z, n, q, \mu_z) \\ \{ \forall \theta_z \subset \theta | \theta = \theta(s_1, s_2, \dots, s_n), \theta_z = \theta(s_1, s_2, \dots, s_q), q < n \}$$

در ادبیات اولیه مربوط به سنجش فقر، از دو شاخص نسبت افراد فقیر و نسبت سرشمار^(۵) بسیار استفاده می‌شد. شاخص نسبت افراد فقیر (H) نشان می‌دهد که چه نسبتی از افراد جامعه مورد بررسی در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این شاخص به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$H = \frac{q}{n}$$

که در آن، q تعداد افراد فقیر و n تعداد افراد جامعه است. یکی دیگر از شاخص‌های بسیار ساده برای ارزیابی فقر شاخص نسبت شکاف درآمدی^(۶) است. این شاخص به صورت نسبت میانگین شکاف درآمدی افراد فقیر به خط فقر و یا به صورت نسبت مجموع شکاف فقر موجود در جامعه مورد بررسی به حداکثر اندازه ممکن این شکاف تعریف می‌شود. به عبارتی:

$$I = \frac{\sum_{i=1}^q (z - s_i) / q}{z} = \frac{z - \mu^*}{z} = \frac{\sum_{i=1}^q g_i}{qz}$$

که در آن، I شاخص نسبت شکاف درآمدی، μ^* میانگین درآمد افراد فقیر جامعه، و g_i شکاف فقر $(z - s_i)$ مربوط به هر کدام از افراد فقیر جامعه است. آمارتیا سن، با توجه به مصداق نداشتن اصل یکنواختی و اصل انتقال در دو شاخص یاد شده، شاخصی را ارائه کرد که این دو اصل بر آن حاکم است. بدین ترتیب، برای هر بردار توزیع درآمد θ در این جامعه، شکاف کل فقر مربوط به مجموعه افراد فقیر آن عبارت است از حاصل جمع موزون نرمال شده شکاف فقر هر کدام از افراد فقیر جامعه که ضریب وزنی آن $V_i(Z, \theta)$ است. بنابراین:

$$Q(z) = A(Z, \theta) \sum_{i \in S(z)} g_i V_i(Z, \theta)$$

که در آن، $Q(Z)$ شکاف کل فقر و A و V_i پارامترهای رابطه هستند. به باور آمارتیا سن، باید یک شاخص فقر مطلوب دارای این خصوصیت باشد که تعداد افراد فقیر، میزان شکاف فقر متوسط آنها و الگوی توزیع درآمد بین افراد فقیر بر آن تأثیر بگذارد و چون دو شاخص نسبت شکاف درآمدی (I) و نسبت افراد فقیر (H) اساساً توزیع درآمد در بین افراد فقیر را در نظر نمی‌گیرند، استفاده از آنها در حالت عادی جامعه که متضمن نابرابری توزیع درآمد بین افراد جامعه است، اشکال دارد؛ با این همه، در حالت برابری کامل توزیع درآمد بین افراد فقیر، با ادغام این دو شاخص می‌توان میزان شدت فقر را نشان داد؛ زیرا در این حالت، بین افراد فقیر نابرابری درآمد وجود ندارد. بر این اساس، وی شاخص زیر را برای سنجش فقر ارائه کرده است:

$$P = Q(Z) = H[I + (1 - I)G^*]$$

که در آن، H شاخص نسبت افراد فقیر، I شاخص نسبت شکاف درآمدی، و G^* ضریب جینی توزیع درآمد افراد فقیر در جامعه است (ابوالفتحی، ۱۳۷۱: ۲۹).

اکنون، در ادامه، به بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی و شهری ایران می‌پردازیم. قابل ذکر است که برای سنجش فقر در مطالعه حاضر، از مخارج مصرفی خانوارها در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷، برگرفته از اطلاعات استخراجی مرکز آمار ایران، استفاده شده است.

وضعیت فقر در مناطق روستایی ایران

در تحلیل پدیده فقر، یکی از سؤالات محوری این است که «چگونه می‌توان افراد فقیر را از افراد غیرفقیر بازشناخت؟». برای این کار، باید فقر را تعریف کرد. با مروری بر ادبیات فقر، مشاهده می‌شود که تعاریفی متفاوت از فقر وجود داشته که هر کدام به معیارهایی مختلف برای عملیاتی کردن و سنجش فقر انجامیده است. برای تشخیص افراد فقیر از غیرفقیر و سنجش شدت فقر، ابتدا باید یک آستانه از امکانات خانوار را تعریف کرد. این آستانه امکانات فقر همان خط فقر است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، خط فقر به معنی میزان منابعی از درآمد و ثروت است که یک خانوار برای رسیدن به یک سطح معین از رفاه نیاز دارد. خانوارهایی که منابع کافی برای سطحی معین از رفاه را نداشته باشند، فقیر تلقی خواهند شد. بنابراین، برای ارزیابی شدت و حجم فقر در ایران گام اول تعیین خط فقر است (خداداد کاشی، ۱۳۸۸: ۳۳).

روش‌های محاسبه خط فقر بسیار متنوع است؛ بسته به آنکه کدام مفهوم از فقر مد نظر باشد، روش‌های محاسبه نیز فرق خواهد داشت. از مهم‌ترین روش‌های سنجش خط فقر می‌توان به موارد مندرج در جدول ۱ اشاره کرد.

جدول ۱- روش‌های گوناگون سنجش خط فقر

روش	توضیحات
بر اساس نیاز کالری	بر مفهوم فقر مطلق و نیازهای اساسی استوار است و بر این اساس، خط فقر در مطالعات بر مبنای ۲۱۷۹ و ۲۳۰۰ و گاه نیز ۲۰۰۰ کالری سنجیده می‌شود.
بر اساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج	بیانگر مفهوم نسبی خط فقر است که در آن، با محاسبه میانگین مخارج خانوارها، خط فقر بر اساس تعیین درصدی از آن سنجیده می‌شود.
بر اساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانه مخارج	درصدی از میانه مخارج به‌مثابه خط فقر در نظر گرفته می‌شود.
بر اساس معکوس ضریب انگل	بر مفهوم عینی فقر استوار است؛ در این روش، ضریب انگل بر اساس مدل‌های اقتصادسنجی برآورد و سپس، مخارج خوراکی خانوار در معکوس ضریب انگل ضرب می‌شود.

منبع: خداداد کاشی، ۱۳۸۸

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، روش‌هایی متنوع برای سنجش خط فقر وجود دارد. میزان خط فقر برآوردی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷، با فرض نیاز هر نفر در روز تنها به ۲۰۰۰ کالری انرژی، در جدول ۲ آمده است؛ همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هزینه مورد نیاز برای هر فرد در مناطق روستایی برای کسب حداقل ۲۰۰۰ کالری در ۱۳۸۰ در حدود ۱۹۱۵۷۹ ریال بوده که این هزینه برای کسب حداقل معاش در ۱۳۸۷ به ۷۳۷۲۰۲ ریال افزایش یافته است. بر مبنای همین معیار، می‌توان نتیجه گرفت که ۴/۵ درصد روستاییان کشور در ۱۳۸۰ و همین‌طور هم ۴/۵ درصد آنها در ۱۳۸۷ توانایی کسب حداقل ۲۰۰۰ کالری در روز را نداشته و از این‌رو، زیر خط فقر بوده‌اند.

جدول ۲- مؤلفه‌های فقر در مناطق روستایی ایران، بر مبنای ۲۰۰۰ کالری

سال	هزینه مورد نیاز هر فرد	خط فقر	درصد افراد فقیر	تعداد کل جمعیت	تعداد جمعیت فقیر کشور
۱۳۸۰	۱۹۱۵۷۹	۸۱۹۷۶۳	۴/۵	۲۲۷۱۴۰۰۰	۱۰۲۵۹۰۱
۱۳۸۱	۲۴۴۳۷۳	۱۰۴۰۳۲۷	۴/۱	۲۲۵۹۰۰۰۰	۹۲۸۱۱۰
۱۳۸۲	۲۹۸۱۳۳	۱۲۸۰۰۹۰	۴/۲	۲۲۴۸۰۰۰۰	۹۴۳۵۹۸
۱۳۸۳	۴۰۲۵۴۷	۱۷۱۵۱۵۷	۴/۲	۲۲۳۷۸۰۰۰	۹۳۳۲۰۷
۱۳۸۴	۴۳۳۵۳۳	۱۹۲۱۶۹۱	۴/۲	۲۲۲۹۵۰۰۰	۹۲۸۶۰۹
۱۳۸۵	۵۰۳۷۷۴	۲۲۴۸۹۰۱	۴/۶	۲۲۲۲۸۰۰۰	۱۰۲۹۰۹۰
۱۳۸۶	۶۴۱۰۴۶	۲۶۴۰۲۲۲	۴/۴	۲۲۵۸۴۰۰۰	۱۰۰۲۷۵۲
۱۳۸۷	۷۳۷۲۰۲	۳۳۱۷۴۱۳	۴/۵	۲۲۲۸۱۴۲۹	۱۰۰۲۶۶۴

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۳ نیز ارزیابی شاخص‌های فقر «آمارتیا سن»، «شکاف درآمدی» و «نسبت سرشمار» در مناطق روستایی ایران ارائه شده است؛ همان‌گونه که مشاهده می‌شود، شاخص فقر «سن» در ۱۳۸۰ در حدود ۰/۰۲۴ بوده و در ۱۳۸۷ به ۰/۰۲۱ کاهش یافته و هم‌چنین، شاخص فقر «شکاف درآمدی» در ۱۳۸۰ در حدود ۰/۲۴۸ بوده و در ۱۳۸۷ به ۰/۲۴۷ تنزل یافته و شاخص فقر «نسبت سرشمار» نیز از ۶/۹۱ در ۱۳۸۰ به ۶/۱۹ در ۱۳۸۷ کاهش یافته است.

جدول ۳- شاخص‌های فقر در مناطق روستایی ایران، بر مبنای ۲۱۷۹ کالری

سال	شاخص‌های فقر در مناطق روستایی	
	نسبت سرشمار	شکاف درآمدی
۱۳۸۰	۰/۲۴۸	۰/۰۲۴
۱۳۸۱	۰/۲۴۷	۰/۰۲۱
۱۳۸۲	۰/۲۴۷	۰/۰۲
۱۳۸۳	۰/۲۴۲	۰/۰۱۹
۱۳۸۴	۰/۲۳۵	۰/۰۱۹
۱۳۸۵	۰/۲۳۳	۰/۰۲۲
۱۳۸۶	۰/۲۴۸	۰/۰۲۱
۱۳۸۷	۰/۲۴۷	۰/۰۲۱

منبع: یافته‌های پژوهش

قابل ذکر است که بر اساس نتایج مطالعات عبدلی و ورهرامی (۱۳۸۹)، مؤمنی و همکاران (۱۳۸۹)، ناصری و همکاران (۱۳۸۸)، باقری و کاوند (۱۳۸۷)، علمی و همکاران (۱۳۸۶)، زیبایی و شوشتریان (۱۳۸۶)، رحیمی و محمدی (۱۳۸۶)، خالدی و یزدانی (۱۳۸۶)، ترکمانی و جمالی (۱۳۸۴)، خالدی و پرمه (۱۳۸۴)، و صامتی و کرمی (۱۳۸۳)، پس از پیروزی انقلاب، تلاش دولت‌ها برای ارتقای سطح تولید کشاورزی و دستیابی به هدف خوداتکایی در تولید محصولات کشاورزی تشدید شد؛ و در همین راستا، اجرای برنامه‌هایی چون وام کم‌بهره برای سرمایه‌گذاری در کشاورزی و مجتمع‌های کشت و صنعت، تأمین نهاده‌های تولیدی نوین و فناوری‌های برتر، تسهیلات بانکی برای احداث شبکه‌های آبیاری، معافیت مالیاتی برای کشاورزان، گسترش هر چه سریع‌تر شبکه راه، برق و مخابرات در مناطق روستایی دورافتاده، بیمه محصولات راهبردی کشاورزی و توسعه درمانگاه‌های روستایی با افزایش چشمگیر همراه بود. بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که میزان کاهش فقر در مناطق روستایی متأثر از سرریز همین عوامل باشد. در جدول ۴، به مهم‌ترین دلایل کاهش فقر روستایی در مطالعات داخل کشور اشاره شده است.

جدول ۴- شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش فقر روستایی در ایران

عوامل مؤثر بر کاهش فقر روستایی	محقق (سال)
رشد کمی و کیفی محصولات زراعی و باغی؛ پیشرفت ضریب فناوری در روستاها	عبدلی و ورهرامی (۱۳۸۹)
افزایش دستمزدهای واقعی در بخش کشاورزی؛ افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در روستاها؛ بهبود رابطه مبادله به نفع بخش کشاورزی؛ و افزایش هزینه‌های دولت	مؤمنی و همکاران (۱۳۸۹)
هزینه‌های دولت؛ بهبود زیرساخت‌های روستایی (مانند آب، برق، و جاده)	ناصری و همکاران (۱۳۸۸)
رشد متوسط درآمد خانوارهای روستایی	باقری و کاوند (۱۳۸۷)
سیاست‌های مالی دولت (با تأکید بر یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم)	علمی و همکاران (۱۳۸۶)
ارتقای زیرساخت‌های کالبدی و مالی؛ برنامه‌های بیمه؛ تأمین اعتبارات کوتاه‌مدت؛ گسترش حمایت‌های اجتماعی؛ اعتبارات خرد	زیبایی و شوشتریان (۱۳۸۶)
افزایش درآمد پولی و غیرپول؛ انتقال اشتغال از بخش زراعت به سایر بخش‌ها؛ افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار	رحیمی و محمدی (۱۳۸۶)
رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی؛ هزینه جاری دولت در عمران روستاها	خالدی و یزدانی (۱۳۸۶)
رشد بهره‌وری کل عوامل تولید کشاورزی؛ نرخ دستمزدها؛ افزایش ضریب زیرساخت‌ها (در زمینه‌های برق، آب، جاده‌سازی، و مانند آن)؛ افزایش ضریب باسوادی و مخارج عمرانی دولت در روستاها؛ سرمایه‌گذاری در توسعه و عمران روستاها؛ تحقیق و ترویج کشاورزی در آبیاری	ترکمانی و جمالی (۱۳۸۴)
تشکیل کشت و صنعت و شرکت‌های سهامی اراضی و تعاونی‌های تولیدی در برخی از روستاها؛ تجمع برخی آبادی‌ها در حوزه‌های عمرانی؛ ارائه طرح‌های فقرزدایی کمیته امداد در روستاها؛ اعطای اعتبارات خرد به گروه‌های آسیب‌پذیر در روستاها؛ گسترش آموزش و پرورش در روستاها؛ تجاری شدن الگوی کشت حتی در واحدهای بهره‌برداری سنتی خرد و کوچک؛ ارائه یارانه قابل توجه به تولیدکنندگان کشاورزی و اعلام قیمت‌های تضمینی برای برخی محصولات؛ گسترش صندوق بیمه محصولات کشاورزی؛ ارائه یارانه به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی	خالدی و پرمه (۱۳۸۴)
افزایش ارزش افزوده کشاورزی؛ هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی روستاها؛ افزایش زمین‌های زیر کشت در روستاها	صامتی و کرمی (۱۳۸۳)

منبع: یافته‌های پژوهش

مقایسه فقر در مناطق روستایی و شهری ایران

میزان خط فقر برآوردی در مناطق روستایی و شهری طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷، با فرض نیاز هر نفر در روز تنها به ۲۰۰۰ کالری انرژی، در جدول ۵ نشان داده شده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که خط فقر در جوامع شهری طی سال‌های مطالعه روند صعودی داشته است. نتایج مطالعه حاضر بیانگر آن است که شکاف درآمدی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ در مناطق روستایی نوسان‌های زیاد داشته، به گونه‌ای که در ۱۳۸۰ برابر با ۰/۲۴۸ بود اما در ۱۳۸۴ به ۰/۲۳۵ کاهش یافت و البته بار دیگر در ۱۳۸۷ به ۰/۲۴۷ رسید. اما در مناطق شهری، شکاف درآمدی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ روند صعودی داشت، به گونه‌ای که این شاخص در ۱۳۸۰ برابر با ۰/۲۴۳ بود و در ۱۳۸۳ به ۰/۲۵۲ افزایش یافت اما در ۱۳۸۴ کاهش یافته، به ۰/۲۲۳ رسیده و بار دیگر از این سال به بعد روند صعودی داشته است.

جدول ۵- شاخص‌های فقر در مناطق روستایی ایران، بر مبنای ۲۰۰۰ کالری

سال	سن		شکاف درآمدی		نسبت سرشمار	
	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری
۱۳۸۰	۰/۰۲۴	۰/۰۱۹	۰/۲۴۸	۰/۲۳۴	۶/۹۱۳	۵/۷۲۷
۱۳۸۱	۰/۰۲۱	۰/۰۲	۰/۲۴۷	۰/۲۴۵	۶/۱۲۹	۶/۰۱
۱۳۸۲	۰/۰۲	۰/۰۱۹	۰/۲۴۷	۰/۲۴۲	۵/۸۱۱	۵/۶۵
۱۳۸۳	۰/۰۱۹	۰/۰۲۲	۰/۲۴۲	۰/۲۵۲	۵/۵۰۳	۶/۰۸۴
۱۳۸۴	۰/۰۱۹	۰/۰۱۸	۰/۲۳۵	۰/۲۳۳	۵/۶۵۹	۵/۷۶۷
۱۳۸۵	۰/۰۲۲	۰/۰۲۱	۰/۲۳۳	۰/۲۳۳	۶/۶۲۷	۶/۴۷۴
۱۳۸۶	۰/۰۲۱	۰/۰۲۲	۰/۲۴۸	۰/۲۵۰	۶/۱۹۷	۶/۳۷۵
۱۳۸۷	۰/۰۲۱	۰/۰۲۲	۰/۲۴۷	۰/۲۵۳	۶/۱۹۹	۶/۳۷۹

منبع: یافته‌های پژوهش

خط فقر طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ هم برای مناطق روستایی و هم برای مناطق شهری دارای روند صعودی بوده، به گونه‌ای که در مناطق روستایی، از ۸۱۹۷۶۳ ریال در ۱۳۸۰ به ۳۳۱۷۴۱۳ ریال در ۱۳۸۷ و در مناطق شهری نیز از ۱۳۹۳۲۶۷ ریال به ۴۳۹۸۷۲۳ ریال افزایش یافته است.

با ارزیابی هزینه مورد نیاز هر فرد طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ مشاهده می‌شود که هزینه تأمین کالری برای خانوارهای فقیر در دوره مورد نظر افزایش یافته، به گونه‌ای که هر فرد در خانوار شهری برای تهیه ۲۰۰۰ کالری در ۱۳۸۰ نیاز به ۲۹۷۶۰۲ ریال و در ۱۳۸۶ به ۹۸۰۱۱۸ ریال نیاز داشته است. با بررسی درصد افراد فقیر مشاهده می‌شود که تعداد فقرا در ۱۳۸۷ نسبت به ۱۳۸۰ افزایش یافته، به گونه‌ای که از چهار درصد کل جمعیت در ۱۳۸۰ به ۴/۹ درصد در ۱۳۸۷ رسیده است.

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

در پژوهش حاضر، به سنجش شدت فقر در مناطق روستایی ایران و مقایسه آن با مناطق شهری کشور پرداخته و در راستای ارزیابی دقیق روند فقر، از شاخص‌های گوناگون استفاده شده است. مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج تحقیق عبارت‌اند از:

۱- هزینه مورد نیاز برای هر فرد در مناطق روستایی برای کسب حداقل ۲۰۰۰ کالری در ۱۳۸۰ در حدود ۱۹۱۵۷۹ ریال بوده، که این هزینه برای کسب حداقل معاش در ۱۳۸۷ به ۷۳۷۲۰۲ ریال افزایش یافته است. بر مبنای این معیار، می‌توان نتیجه گرفت که ۴/۵ درصد روستاییان کشور در ۱۳۸۰ و همین‌طور هم ۴/۵ درصد آنها در ۱۳۸۷ توانایی کسب حداقل ۲۰۰۰ کالری را نداشته‌اند؛

۲- شاخص فقر سن در ۱۳۸۹ در حدود ۰/۰۲۴ بوده و در ۱۳۸۷ به ۰/۰۲۱ کاهش یافته و هم‌چنین، شاخص فقر شکاف درآمدی در ۱۳۸۰ در حدود ۰/۲۴۸ بوده و در ۱۳۸۷ به ۰/۲۴۷ تنزل یافته و شاخص فقر «نسبت سرشمار» نیز از ۶/۹۱ به ۶/۱۹ کاهش یافته است؛

۳- شکاف درآمدی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ در مناطق روستایی با نوسان‌های زیاد همراه بوده، به‌گونه‌ای که شکاف درآمدی در مناطق روستایی در سال ۱۳۸۰ برابر با ۰/۲۴۸ بوده و در ۱۳۸۴ به ۰/۲۳۵ تنزل یافته و بار دیگر در ۱۳۸۷ به ۰/۲۴۷ رسیده است. اما در مناطق شهری، شکاف درآمدی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ دارای روند صعودی بوده، به‌گونه‌ای که این شاخص در ۱۳۸۰ برابر با ۰/۲۳۴ بوده و در ۱۳۸۳ به ۰/۲۵۲ افزایش یافته است؛ البته در ۱۳۸۴، این شاخص کاهش یافته و به ۰/۲۲۳ رسیده و بار دیگر از این سال به بعد روند صعودی داشته است؛ و

۴- خط فقر طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ هم برای مناطق روستایی و هم برای مناطق شهری دارای روند صعودی بوده، به‌گونه‌ای که خط فقر در مناطق روستایی از ۸۱۹۷۶۳ ریال در ۱۳۸۰ به ۳۳۱۷۴۱۳ ریال در ۱۳۸۷ و در مناطق شهری نیز از ۱۳۹۳۲۶۷ ریال به ۴۳۹۸۷۲۳ ریال افزایش یافته است.

ارزیابی معیارهای یاد شده بیانگر آن است که فقر مطلق در راستای کسب حداقل کالری به‌طور ملموس در مناطق روستایی کاهش یافته اما به‌لحاظ استانداردهای رفاهی، هنوز شکافی معنی‌دار میان مناطق شهری و روستایی مشاهده می‌شود. از آنجا که یکی از وظایف تعریف‌شده دولت ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد است، انتظار بر آن است که سیاست‌های دولت نقشی معنی‌دار در ایجاد تعادل میان مناطق روستایی و شهری داشته باشد. بر این اساس، اگر ترکیب مخارج دولت مناسب باشد و منابع به‌صورت کارآ تخصیص یابد، چه‌بسا مخارج دولت به کاهش فقر در مناطق روستایی بینجامد^(۷).

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------|-------------------------|
| 1. norms | 2. basic-needs approach |
| 3. food-ratio approach | 4. axioms |
| 5. head count ratio | 6. income gap ratio |
- ۷- خداداد کاشی (۱۳۸۸) و ابونوری و عباسی قادی (۱۳۸۶) نشان دادند که ممکن است مخارج دولت و نحوه توزیع آن نقشی معنی‌دار در کاهش فقر داشته باشند.

منابع

- ابوالفتحی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، *درآمدی بر شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر*. تهران: مرکز آمار ایران.
- ابونوری، اسماعیل و عباسی قادی، رضا (۱۳۸۶)، «برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۹، شماره ۳، صص ۲۳-۵۲.
- باقری، فریده و کاوند، حسین (۱۳۸۷)، «اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران ۱۳۸۴-۱۳۷۵». *رفاه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۱۷۳-۱۹۰.
- پروین، سهیلا و زیدی، راضیه (۱۳۸۰)، «اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد (مطالعه موردی سیاست‌های برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران)». *تحقیقات اقتصادی*، سال ۱۰، شماره ۵۸، صص ۱۱۳-۱۴۶.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۴)، *شناسایی اقشار آسیب‌پذیر*. تهران: معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی.
- ترکمانی، جواد و جمالی مقدم، الهام (۱۳۸۴)، «اثرات مخارج عمرانی دولت بر فقرزدایی در مناطق روستایی ایران». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱۵۳-۱۷۴.
- جلیلیان، محمد و سوری، علی (۱۳۷۷)، *بررسی مقایسه‌ای فقر و ارتباط آن با متغیرهای کلان اقتصاد کشور*. تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- حسن‌زاده، علی (۱۳۷۹)، *بررسی عوامل مؤثر بر فقر در ایران*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- خالدی، کوهسار و پرمه، زورار (۱۳۸۴)، «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۴۹، صص ۵۷-۸۲.
- خالدی، کوهسار و یزدانی، سعید (۱۳۸۶)، «رشد اقتصادی بخش کشاورزی و فقر و توزیع درآمد روستایی در ایران». *علوم کشاورزی*، سال ۱۳، شماره ۳ (ویژه‌نامه)، صص ۵۵۵-۵۷۳.
- خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۸)، *ارزیابی تأثیر متغیرهای کلان بر حجم فقر در ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- خداداد کاشی، فرهاد و باقری، فریده (۱۳۸۴)، «نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۳۱-۴۲.
- خداداد کاشی، فرهاد و حیدری، خلیل (۱۳۸۳)، «برآورد سطح امنیت غذایی خانوارهای ایرانی بر اساس شاخص AHFSI». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۱۶۶-۱۵۵.
- رحیمی، مجید و محمدی، حمید (۱۳۸۶)، «شاخص‌های فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی». *رفاه اجتماعی*، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۱۰۵-۱۲۳.

- زیبایی، منصور و شوشتریان، آشان (۱۳۸۶)، «بررسی پویایی فقر در ایران با استفاده از داده‌های مرکب خانوارهای روستایی و شهری». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۹، شماره ۳۲، صص ۵۵-۸۳.
- صامتی، مجید و کرمی، علیرضا (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور». *تحقیقات اقتصادی*، سال ۱۲، شماره ۶۷، صص ۲۱۳-۲۳۴.
- عبدلی، قهرمان و ورهرامی، ویدا (۱۳۸۹)، «تأثیر بهبود تولیدات کشاورزی بر فقر در بخش روستایی». *پژوهش‌های روستایی*، سال ۱، شماره ۲، صص ۷۳-۹۰.
- عظیمی، حسین (۱۳۸۴)، *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی.
- علمی، زهرا (میلا)؛ گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی؛ و پورقربان، محمدرضا (۱۳۸۶)، «محاسبه شاخص قیمتی اصلاح فقر شهری و روستایی ایران». *تحقیقات اقتصادی*، سال ۱۵، شماره ۸۱، صص ۱۵۹-۱۷۹.
- محمودی، وحید (۱۳۸۲)، «ارائه یک متدولوژی جدید برای تجزیه تغییرات فقر به دو اثر "رشد: و توزیع مجدد"». *تحقیقات اقتصادی*، سال ۶۳ (ویژه‌نامه)، صص ۱۶۵-۱۸۶.
- محمودی، وحید و صمیمی‌فر، سیدقاسم (۱۳۸۴)، «فقر و نابرابری در ایران». *رفاه اجتماعی*، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۵-۲۷.
- مؤمنی، فرشاد؛ یوسفی، محمدقلی؛ و مبارک، اصغر (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد بهره‌وری و فقر در مناطق روستایی ایران». *پژوهش‌های روستایی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۰.
- ناصری، علیرضا؛ باسنا، مهدی؛ حسن‌زاده، محمد؛ و مسائلی، ارشک (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر هزینه‌های مختلف دولت بر اشتغال غیرکشاورزی و فقر در مناطق روستایی ایران». *پژوهش‌های اقتصادی*، سال ۹، شماره ۴، صص ۴۱-۶۴.
- نیلی، فرهاد (۱۳۸۸)، *بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- Atkinson, A. (1994), "Measurement of poverty and differences in family composition". *Econometrica*, Vol. 22, No. 49.
- Baker, J. and Grosh, M. (1994), "Measuring the effects of geographic targeting on poverty reduction". *LSMS Working Paper*, No. 99. Washington, DC: World Bank.
- Bainbridge, J.; Meyers, M. K.; and Waldfoegel, J. (2003), "Child care policy reform and the employment of single mothers". *Social Science Quarterly*, Vol. 84, No. 4, pp. 771-91.

- Blinder, A. and Esaki, H. Y. (1978), "Macroeconomic activity and income distribution in the post war United States". **The Review of Economics and Statistics**, Vol. 160, No. 4.
- Braun, J. Von; Bouis, H.; Kumar, S. and Pandya-Lorch, R. (1992), **Improving Food Security of the Poor: Concept, Policy, and Programs**. Washington, DC: International Food Policy Research Institute.
- Deaton, A. (2003), "Adjusted Indian poverty estimates for 1999-2000". **Economic and Political Weekly**, (January 25), pp. 322-6.
- Haddad, L. and Kanbur, R. (1992), "Intra-household inequality and the theory of targeting". **European Economic Review**, Vol. 36, No. 5.
- Iceland, J. (2005), "The CNSTAT workshop on experimental poverty measures, June 2004". **Focus**, Vol. 23, No. 3, pp. 26-30.
- Gaiha, R. and Imai, K. (2004), "Vulnerability, persistence of poverty and shocks-estimates for semi-arid rural India". **Oxford Development Studies**, Vol. 32, No. 2, pp. 261-281.
- Lipton, M. and Van Der Gaag, J. (1994), "Including the poor". **Regional and Sectoral Studies**. Washington, DC: World Bank.
- Nolan, B. and Whelan, C. T. (1996), "Income, deprivation and economic strain: an analysis of the European Community Household Panel". **European Sociological Review**, Vol. 17, No. 4, pp. 357-372.
- Pajooyan, J. (1994), "Establishing the poverty line". **Iran Economic Review**, Vol. 3, No. 1.
- Ravallion, M. (1998), "Poverty lines in theory and practice". **LSMS Working Paper**, No. 133, World Bank.
- Ravallion, M. and Sen, B. (1994), "Impacts on rural poverty of land-based targeting: further results for Bangladesh". **World Development**, Vol. 22, No. 6, pp. 823-838.
- Sen, A. (1974), "Poverty: an ordinal approach to measurement". **Econometrica**, Vol. 46, No. 5, pp. 437-446.